

نازنین دانشجو است. خوابگاهشان را تعطیل

کرده‌اند و به خانه باز گشته است. در بدو ورود

به خانه کامل خود و وسایلش را ضدعفونی کرده

بود. هنوز مطمئن نیست که ناقل بیماری کرونا

است یا نه. تصمیم گرفته از این روزهایی‌که در

خانه باید بماند استفاده کند او می‌گوید: «پیش

از این به خاطر مشغولیت‌هایم کمتر به فضای ...



بازار شب بندرعباس تعطیل شد

مدیر پیشگیری و رفع تخلقات شهری شهرداری بندرعباس گفت: این بازارچه که واقع در بازار مرکزی بندرعباس است، با هدف پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و انتقال هرگونه و حفظ سلامت شهروندان از فعالیت آن جلوگیری شد.رضا خوشبخت افزود: تعطیلی این بازارچه تا ریشه کنی و مهار کامل ویروس کرونا در هرمزگان و همچنین عادی شدن شرایط ادامه دارد. وی یادآورشد: بازار بندرعباس از هفته های گذشته تاکنون به صورت شبانه با همکاری سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بندرعباس ضدعفونی شده اما برای اطمینان خاطر بیشتر و امنیت جان شهروندان از فعالیت این بازار تا اطلاع ثانوی جلوگیری شد.خوشبخت تاکید کرد: نیروهای رفع تخلف شهرداری با استقرار و گشت زنی در بازار بندرعباس و دیگر مناطق شهر از هرگونه تخلف و اجتماع غیرمجاز دست فروشان و فعالیت آنان جلوگیری می کنند.وی از شهروندان خواست در صورت مشاهده هرگونه تخلف شهری موضوع را به سامانه ۱۳۷ شهرداری بندرعباس گزارش دهند.ویروس کرونا که رسماً کووید – ۱۹ نام دارد، نخستین بار در شهر ووهان چین شناسایی شد تا کنون به بیش از یکصد کشور سرایت کرده است.

«صبح ساحل» در گزارشی میدانی از حال و هوای این روزهای مردم می‌گوید:

قرنطینه خانگی در سایه امید

♦کرونا باعث شده همه خانواده دور هم جمع باشند و با هم وقت بگذرانند



♦ صبح ساحل- سیمیره حنائی//

امروز بیش از ۱۰روز است که در قرنطینه خانگی هستیم. طبق خواسته مسئولان بهداشت کشور در خانه مانده‌ایم و برای کارهای غیرضروری از خانه بیرون نمی‌رویم. روزانه مایحتاج‌مان را یکی از اعضا خانواده می‌خرد. آن‌را ضد عفونی می‌کنیم، بعد استفاده می‌کنیم. زندگی ایزوله. کسی دلش نمی‌خواهد پایش به بیمارستان برسد. مردم اصول بهداشتی را رعایت می‌کنند تا در این وضعیت به بحران دامن نزنند. دنیای برخی شده یک صفحه‌ی پنج اینچی هوشمند و یک چهاردیواری که یک دقیقه کافیتست وقت بگذاری تا یک دور کامل در آن بزنی. برخی اما ازین فرصت خانه‌نشینی استفاده می‌کنند و به جبران گذشته، با خانواده وقت بیشتری می‌گذرانند. پرستاران و پزشکان پرتلاش، شوالیه‌های غیور این‌روزهای کشورند. برخی مغلوب حس شوم ناامیدی و ترس شده‌اند. اما خیلی‌ها هنوز با آرامش زندگی می‌کنند. شاید زندگی بر روی دور کند افتاده باشد اما در جریان است. این روزها که ارتباط‌ها مجازی شده، گشتی در گروه‌های مختلف زدم و با مردم درمورد آنچه این روزها میندیشند و انجام می‌دهند گفت‌وگو کردم. آنچه می‌خوانید شرح‌حالی است از کسانی که این روزها بیشتر وقت‌شان را در خانه به سر می‌برند.

♦ این روزها موقتی است

شقایق کارمند است. او بحران را پذیرفته است. او می‌داند که این روزها بالاخره تمام می‌شود. امیدش را از دست نداده است. می‌گوید: «برخلاف روزهای اول، کمتر به شمار مبتلایان و فوتی‌ها توجه نشان می‌دهم. می‌دانم در این‌روزها همه باید پرنده کوچک خوشبختی‌مان را بیابیم و به آن دل خوش باشیم. فضای مجازی پر از کلاغ‌های سیاه شایعه است. باید بدانیم این روزها موقتی است. به این فکر نمی‌کنم که از دست دادن کدام عزیز بیشتر من‌را ناراحت خواهد کرد، به این میندیشم که بعد از تمام شدن این خانه‌نشینی برای تمام کسانی که برابم مهم هستند گل بگیرم و با هم بودمان را جشن بگیرم.»

♦ خاطرات خوب گذشته‌ام را روزانه مرور می‌کنم

پری هنرمند است. کاردستی‌های خلاقانه را درست می‌کند. می‌گوید در این روزهای کرونایی برایش اتفاقی‌های خوبی افتاده است. بالاخره موفق شده پدرش را که اسم دارد، خانه نشین کند و بیشتر به او برسد. «پدرم علاوه‌بر آسم، آلرژی، بیماری قلبی و کلیوی هم دارد. او جزو گروه پر خطر است. او این روزها کمتر به سر

کار می‌رود. من توانستم به پهنای ی کرونا در بندرعباس، به خانه پدری برگردم. دختر کوچکم چون پدرم را کم می‌دید، همیشه پیش او غریبگی می‌کرد. این‌روزها پدرم و دخترم باهم رفیق شده‌اند. وقتی پدرم سرفه می‌کند او هم ادایش را در می‌آورد. با هم بازی می‌کنند».او از حس خوب بازگشت به خانه می‌گوید: «این روزها در حیاط خانه‌ای که بزرگ شدم وقت بیشتری می‌گذرانم. حیاطی که در آن دویدم، بازی کردم، درس خواندم. متأسفانه بعد از رفتن به دانشگاه و ازدواج زمانی برای بودن در کنار خانواده و لذت بردن از بودن در خانه پدری نداشتم. خاطرات خوب گذشته‌ام روزانه مرور می‌کنم.»

♦ سعی می‌کنم از زیبایی‌های زندگی بیشتر لذت ببرم

نازنین دانشجو است. خوابگاهشان را تعطیل کرده‌اند و به خانه باز گشته است. در بدو ورود به خانه کامل خود و وسایلش را ضدعفونی کرده بود. هنوز مطمئن نیست که ناقل بیماری کرونا است یا نه. تصمیم گرفته از این روزهایی‌که در خانه باید بماند استفاده کند. او می‌گوید: «پیش از این به‌خاطر مشغولیت‌هایم کمتر به فضای مجازی سر می‌زدم. اما حالا که بیکارم ابتدا بیشتر وقت‌هایم را سرگرم گوشی و فضای مجازی بودم. فضای

مجازی به‌خاطر حرف و خبرهای کرونا استرس‌زاست. تصمیم گرفته‌ام خودم را جور دیگری مشغول کنم. بیشتر در جمع خانواده باشم. کتاب‌های غیردرسی‌ام را بخوانم. کارهایی‌را که در گذشته دوست داشتم انجام دهم اما به‌هردلیلی انجامش نمی‌دادم، مانند نقاشی و خطاطی و خیاطی، را انجام دهم. سعی می‌کنم از زیبایی‌های زندگی بیشتر لذت ببرم. چون این احتمال وجود دارد که به بیماری مبتلا شوم و دیگر زمان قابل بازگشت نباشد.»

♦ منتظر بتوانم عزیزانم را در آغوش بگیرم

سهیل شاغل است. در یک شرکت راه‌سازی کار می‌کند. این روزها مانند گذشته باید صبح زود به سر کار برود. بعد از آمدن از سر کار خودش و تمام وسایلش را ضدعفونی می‌کند تا اعضای خانواده‌اش مریض نشوند. سر کار نه ماسک دارند نه دستکش. با خودش به سر کار آب خوردن می‌برد. می‌گوید در شرکت جرئت ندارد وسایل‌هایش را به کسی قرض دهد. خواهش از استرس این روزها فشارش بالا رفته و مجبور شده‌اند بروند بیمارستان. از رفتن به بیمارستان می‌گوید: «تاکسی که گرفتیم راننده تاکسی با ترس ما را سوار

کرد. در بیمارستان ترس در چهره همه موج می‌زد. همه از کرونا حرف می‌زدند. خانم بارداری از پرستاران ملتمسانه می‌خواست اگر دارویی دارند به او بدهند تا کرونا نگیرد. کسی دیگر در حمل وسیله یا بیمار به دیگری کمک نمی‌کرد. مردم انگار خودخواه شده بودند. فضای بیمارستان سنگین بود و حس بدی در آدم به‌وجود می‌آورد». او حس می‌کند نعمت بزرگی را این روزها از دست داده توانایی در آغوش گرفتن عزیزانش. منتظر است سریع‌تر این روزها بگذرد و به ازای تمام این روزها خانواده‌اش را در آغوش بگیرد.

♦کرونا باعث شده

همه دور هم باشیم

محمد طراح سایت است. او در خانه کار می‌کند. می‌گوید کرونا تنها چاشنی استرس به زندگی‌اش اضافه کرده است. او با خانه ماندن مشکلی ندارد. تنها دلش برای دوستش که هرشب به او سر می‌زد تنگ شده است. آن دو روزانه باهم صحبت می‌کنند. می‌گوید کرونا باعث شده همه خانواده دور هم جمع باشند و با هم وقت بگذرانند. در تلاش است یک مجموعه محتوای آموزشی مفید و متفاوت درمورد بیماری کرونا تولید و منتشر کند.

♦ هنوز درک درستی از بحران کرونا ندارد

رامتین دانش‌آموز پایه ششم است. می‌گوید دو هفته است که از خانه بیرون نرفته است. مدرسه‌شان از هفته پیش تا آخر این هفته تعطیل است. حوصله‌اش در خانه گاهی سررفته می‌رود. گاهی گشتی در اینستاگرام می‌زند و گاهی نیز کارتون می‌بیند. تکلیف‌هایشان در گروه مدرسه ارسال می‌شود و انجام می‌دهد. با این وضعیت مشکلی ندارد. روزانه به حمام می‌رود و دست‌هایش را هم می‌شورد. حالا پدر و مادرش را بیشتری می‌تواند ببیند. هنوز درک درستی از بحران کرونا ندارد. فقط می‌داند این روزها که تمام شد می‌توانند بروند مسافرت.

♦ احساس گنگی می‌کنم

فاطمه مترجم زبان انگلیسی است. قرنطینه خانگی بر زندگی او تاثیر چندانی نداشته است. کارش را مانند گذشته به پیش می‌برد اما دیگر مانند گذشته احساس



امنیت نمی‌کند. از حال و روز این روزهایش برایم می‌گوید: «احساس گنگی می‌کنم. برای تخلیه حسم هرچه بر من گذشته بود را بر روی کاغذ آوردم. حس می‌کنم دنیا دارد تمام می‌شود. بی‌خیالی اطرافیان برایم جالب است. برخی انگار نه انگار اتفاقی افتاده است. راحت زندگی‌شان را می‌کنند اما من نگران خانواده‌ام هستم. مادرم، مادر بزرگم، برادرانم که بیرون از خانه کار می‌کنند. قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ همه این‌ها تکرانم کرده است». باورش نمی‌شود که برخی بحران کرونا را بزرگمایی رسانه‌ای یا سیاه‌کاری سیاسی می‌دانند. بیشتر از گذشته می‌خواهد تا این روزها زودتر تمام شود و ضریان زندگی به حالت اولش باز گردد.

♦ به‌صورت مجازی نمی‌شود تدریس کرد

سپیده آموزگار ابتدایی است. این روزها که مدرسه تعطیل شده نگران بودجه‌بندی درس‌هایش است. با اینکه مدرسه مجبورشان کرده مانند سایر آموزشگاه‌ها به‌صورت مجازی تدریس کنند اما او مخالف است. می‌گوید: «برخی درس‌ها نیاز به مشارکت دارد. نمی‌شود یک فیلم آموزشی را در یک گروه مجازی فرستاد و توقع داشت دانش‌آموز همه مفاهیم را یاد بگیرد. برخی مدارس از اپلیکیشن‌هایی مانند zoom و Skype استفاده می‌کنند اما برای دانش‌آموز دبستانی کار با این برنامه‌ها سخت است. شب گذشته پیامی منتشر شد که آموزشگاه‌ها برای تدریس از اپلیکیشن بیگانه استفاده نکنند. همین کار را سخت‌تر کرده است. اول باید گروه والدین را که همه در واتس‌اپ تشکیل شده به یک اپ داخلی که امنیتش کم است انتقال داد، بعد فیلم‌های آموزشی را ارسال کرد. متأسفانه معلوم نیست دانش‌آموز آن‌را ببیند یا نه. ما تمام‌وقت باید گوشی دستانمان باشد تا پاسخ سوال‌های والدین را بدهیم.»

♦ برای سلامتی همه دعا می‌کنم

مریم مادر خانه‌دار است. نه اهل تلویزیون است و نه اخبار اما این روزها خبرها را دنبال می‌کند. یک هفته‌ای می‌شود که از خانه بیرون نرفته است. نگران فرزندش است که در بیمارستان کار می‌کند. دلشوره دارد. اما سعی می‌کند خودش را سرگرم کند. شروع کرده به خانه تکانی. می‌گوید: «صبح‌ها می‌روم سراغ باغچه‌ام. نگاه کردن به گل‌هایم حال‌م را خوب می‌کند. خیلی سال‌ها پیش نیز یک مرض افتاد بین مرد و خیلی‌ها را کشت. کاری از دست من بر نمی‌آید. بچه‌ام را سپرده‌ام به خدا. برای سلامتی همه دعا می‌کنم. خدا خودش بلا را رفع کند. ان‌شالله زودتر این روزها به‌خیر بگذرد.»

جدول کلمات متقاطع دوره جدید شماره ۱۳۴۲

افقی

۱-مهندس معماری - نام کوهی در استان خراسان شمالی ۲- تیغ وشمشیر فولادین - رده بندی شده ۳- شکم بند طبی - واحد اندکی در وزن - نمره پشت پرونده - مقدار کوتاه ۴- حشره کش قدیمی - گونه ای ازسبزی خوردنی - برکت سفره ۵- آتش عرب - مفر پرتاب موشک - نگاه خیره - جاده هموار وشن ریزی شده ۶- از روی عقل وخردمندی - خبرگزاری اتریش ۷- ویتامین جدولی - دور شونده -

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	ب	د	ل	ت	ن	ی	ی	ف	س	ن	ج	ا		ن
۲	ع	ا	ر	م	ک	ک	ک	ا	و	ی	د	ن		ا	
۳	ر	س	ی	د	ی	م	ی	ج	ل	ا	ب	ر	ی		
۴	ا	ر	ه		ا	س	ت	ع	د	ا	د	ش	ن	ل	
۵	ن	د		د	د	ا	ر	ص	ا	د	ن		ج	و	
۶	ک	ی	ت	ا	ر	و	ر	د		ف	ق	د	ا	ن	
۷	و	ک	ر	ا	ر	ع		ب	ر	ا	و		و		
۸	ر	ت		ل	س	ا	ن	ا	ل	غ	ی	ب	ر	ع	
۹	ک	م	ی	ت	ه	ش	ا	ل	ل	ا	ت	و		ا	
۱۰	م	ر	د	ن	ی	ک	ی	ا	و	ز	د	د	ر	و	ی
۱۱	ن	ا		ک	ی	ب	و	ر	ا	ن		س	ل	و	
۱۲	ن	ر	س		س	و	ل	ا	ن	ی	ن		ف	ا	ر
۱۳	ژ	ی	ا	ن		ر	ی	و	ش			ف	ر	ن	ی
۱۴	ی	م	ا	ز	ی	ا	ر		ت	م	ن	ا		ا	
۱۵	ت	ا	ر	ن	م	ا	ش	ه	ر	ف	ر	ش	ت	ه	

طراح : مهدی سنگی